

یک زمستان با گولبرها

صادق امامی



www.ketab.ir



سید صریح و آل

سرشناسه: امامی، صادق، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: یک زمستان با کولبرها/صادق امامی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص. مصور(رنگی)، نمودار(رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۲۱۹-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: کولبری - ایران

Kulbari -- Iran*

کولبری - ایران - داستان

Kulbari -- Iran -- Fiction*

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: HD۸۷۰/۲

رده‌بندی دیویی: ۳۳۲/۲۰۹۵۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۰۹۹۳۴

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا



باسم
پاکستان
نظرسنجی
این کتاب
شرکت
تمهید

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی



یک زمستان با کولبرها

نویسنده: صادق امامی

ویراستار: فاطمه رشوند

طراح جلد: فاطمه محمدی

چاپ و صحافی: ویژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۲۱۹-۰

www.sooremehr.ir

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۳۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۰۹۹۳
فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نویسنده به خیابان حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۹۴۹۱۹۱۰۲
فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۳۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹
فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل، کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۶-۳۲۲۴۷۷۳۵-۳۱

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۹۱۸-۱۷۸۱۱

۳۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

کتاب‌ها در زمین ریشه دارند.

طبق تفاهم نامه انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



فهرست

۹	مقدمه.....
۱۵	نقطه آغاز.....
۳۵	به یاد آزاد، به یاد فرهاد.....
۶۱	سفر دوم به مرز؛ گردنه گرازگیر.....
۶۷	سردشت کولبد داشت.....
۷۱	بلای باندهای قاجاق.....
۸۵	درد بی درمان درمان آباد.....
۹۳	دو شهادت برای وطن.....
۱۰۳	گرفتار در کولاک.....
۱۱۱	از کولبری تا حزب دموکرات.....
۱۲۵	جوانمرد مردمی هستند مردم این خانه.....
۱۳۵	قتلگاهی در ارتفاع سه هزار متری.....
۱۸۷	تصاویر.....
۲۰۵	پیوست.....

مقدمه

دی ماه ۱۳۹۸ که برای اولین بار به مریوان سفر کردم تا از حادثه تلخی که به مرگ دو کولبر نوجوان منجر شد گزارش تهیه کنم، فکرش را نمی‌کردم آن قدر در این سوژه غرق شوم که یک ماه و نیم بعد، برای دومین بار، نه یک روز یا دو روز که یک هفته در شهرهای مرزی به دنبال جزئیات بیشتری از کولبری باشم.

این اتفاق افتاد و بیستم بهمن ۱۳۹۸ به همراه وحید سرابی، عکاس روزنامه فرهیختگان، از تهران به ارومیه رفتیم. از آنجا به سردشت در ۲۴۰ کیلومتری ارومیه سفر کردیم. از سردشت به روستای درمان آباد [رفت و برگشت ۳۵ کیلومتر] و از آنجا به پیرانشهر [۹۲ کیلومتر] رفتیم و سپس به مرز تمرچین [رفت و برگشت ۲۴ کیلومتر] هم سری زدیم. از پیرانشهر به ارومیه [۱۳۳ کیلومتر] برگشتیم و از ارومیه به سقز [۲۲۹ کیلومتر] و از آنجا به مریوان [۱۳۵ کیلومتر] رفتیم. در مریوان، مرز ایران و اقلیم کردستان در پای کوه تته [رفت و برگشت ۱۰۶ کیلومتر] را ساعت ها طی کردیم تا پرده آخر این سفر را نیز ثبت کنیم. بدون محاسبه مسافت تهران تا ارومیه و مسیر برگشت از مریوان به تهران، ما بیش از ۹۹۴ کیلومتر در غرب کشور مسافرت کردیم. اگر ترددهای درون شهرها و پیاده روی های شهری و

کوهستانی را نیز به این مسافت اضافه کنیم، بیش از هزار کیلومتر در شهرستان‌های مرزی در پی تهیه گزارش درباره کولبری بودیم.

متنی که در قالب کتاب پیش روی شماست، قرار بود اواخر بهمن ۱۳۹۸ در روزنامه فرهیختگان منتشر شود، اما به دلیل نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی، گزارش تحت الشعاع انتخابات قرار می‌گرفت و آن طور که باید، بازتاب پیدا نمی‌کرد. به همین دلیل در روزنامه تصمیم بر آن شد که گزارشم پس از اعلام نتایج انتخابات منتشر شود، اما کمتر از دو روز به انتخابات، خبر شیوع ویروس کرونا در ایران انتخابات را به حاشیه برد و انتشار گزارش من را نیز برای چند هفته عقب انداخت. دیگر کرونا مسئله اصلی کشور شده بود و هر خبری غیر از آن، برای افکار عمومی اهمیت چندانی نداشت. در چنین شرایطی، در روزنامه به این جمع‌بندی رسیدیم که تا سال ۱۳۹۹ صبر کنیم و پس از تعطیلات عید نوروز گزارش را منتشر کنیم.

متن گزارش برای چاپ آماده بود که یک پیشنهاد روند کار را به صورت کامل تغییر داد. مسعود فروغی، سردبیر روزنامه، پیشنهاد تبدیل گزارش به یک سفرنامه را داد. با اینکه هیچ وقت به نوشتن یک کتاب فکر نکرده بودم، ولی این پیشنهاد را جدی گرفتم و از چند روز مانده به سال ۱۳۹۹ نوشتن را آغاز کردم.

برای تبدیل گزارش به کتاب، باید تمام صوت‌ها و فیلم‌هایی را که ضبط کرده بودم را یک بار با دقت بازبینی می‌کردم. نوشتن را ۲۶ اسفند ۱۳۹۸ آغاز و تقریباً تمام روزهای تعطیلات عید را صرف آن کردم. سه ماه بعد در تیرماه ۱۳۹۹، در فصلی کاملاً متفاوت با شروع داستان، نوشتن به پایان رسید. با وجود اینکه ضرورت چنین اثری در کشور حس می‌شد، اما مشکل آنجا بود که من تجربه‌ای در نوشتن کتاب نداشتم و

این، انگیزه نوشتن را از من می‌گرفت. در میانه تابستان یک اتفاق، باعث شد تا من دوباره به سراغ اصلاح آنچه نوشته بودم، بروم.

آن اتفاق برگزیده شدن اولین گزارشم با عنوان «۱۳ کیلومتر با کولبرها» در «جایزه داستان واقعی»^۱ سوئیس بود. در مرحله نخست این جایزه، داوران ۱۱۷۹ گزارش از ۱۲ زبان را ارزیابی کردند و از هر زبان نزدیک به ۱۰ اثر برای بررسی بیشتر انتخاب شد. گزارش من یکی از آثاری بود که در این مسابقه به جمع ۱۰ اثر برتر زبان فارسی راه یافته بود.

به دنبال این خبر، اصلاح دوباره متن را آغاز کردم و چهار ماه بعد، در میانه آبان ماه نوشته‌هایم را به نشر سوره تحویل دادم تا نظرشان درباره چاپ آن را جویا شوم. چند هفته بعد، کلیت سوره مورد توجه قرار گرفت، ولی براساس جمع‌بندی شورای کارشناسان نشر سوره، لازم بود برخی اصلاحات را مد نظر قرار دهم. کار اصلاحات را با وجود مشغله‌های فراوان، آغاز کردم.

چند هفته بعد در میانه بهمن ماه، یک تماس تلفنی، دوباره انگیزه نوشتن را در من شکوفا کرد. گزارشم به همراه دو گزارش دیگر از ایران به مرحله نهایی مسابقه جایزه داستان واقعی راه پیدا کرد و من به شهر برن سوئیس دعوت شدم. پس از این بود که نوشتن را برای چندمین بار از سر گرفتم و تعطیلات عید نوروز ۱۴۰۰ و پس از آن را صرف تکمیل این کتاب کردم.

این کتاب روایت دو سفر من به مرزهای غرب و شمال غرب کشور است. در این کتاب به سهم خودم تلاش کردم تا پدیده کولبری را فارغ از

۱. TRUE STORY AWARD «جایزه داستان واقعی» اولین جایزه جهانی خبرنگاری است که از سال ۲۰۱۹ در سوئیس پایه‌گذاری شد. در این جشنواره گزارش‌هایی از دوازده زبان مختلف مقایسه و آن‌هایی تقدیر می‌شوند که از لحاظ پی‌گیری و تحقیق مصراانه، کیفیت روزنامه‌نگاری و اهمیت اجتماعی برجسته باشند.

مسائل احساسی و سیاسی بررسی کنم. به طور حتم، این روایت حدود ده‌روزه و قلمی که آن را نگاشته نتوانسته تمام آنچه که باید گفته شود را بیان کند و سختی‌های آن را به نمایش بگذارد. نگارنده اگرچه ادعایی مبنی بر شیوایی قلم ندارد، تلاش کرده است تا بتواند روایتی متفاوت و جامع از پدیده کولبری را ثبت کند. آنچه در این کتاب می‌خوانید، در کنار روایت نگارنده، حاصل ساعت‌ها مطالعه کتاب‌ها و مقالات مربوطه، گفت‌وگو با کارشناسان، مقامات محلی، مطلعان، مقامات مرزبانی و مردم مناطق مرزی است. امیدوارم این نوشته بتواند تلنگری برای حل پدیده‌ای به نام کولبری باشد.

در این کتاب نام برخی افراد را تغییر داده‌ام و جز چند نفری که مخالفتی با انتشار نامشان نداشتند، از بیان جزئیاتی که باعث شناسایی افراد می‌شود، خودداری کرده‌ام تا حریم خصوصیشان حفظ شود. در کتاب هیچ شخصیت و یا رخدادی ساختگی نیست و همه براساس آنچه اتفاق افتاده، به کتاب اضافه شده‌اند. البته، برخی افراد بودند که حضور یا عدم حضورشان خدشه‌ای به محتوای کتاب وارد نمی‌کرده و بر این اساس، از اشاره به آن‌ها خودداری کرده‌ام.

به طور حتم، تولد هر اثر و نوشته‌ای به علل مختلفی مربوط است و این اثر هم از آن قاعده جدا نیست. اگر خداوند کاک عابد و خانواده عزیزش را سر راهم قرار نمی‌داد؛ اگر همسرم محبوبه، و فرزندانم، سمانه و حنانه، از صدها ساعتی که به آن‌ها اختصاص داشت گذشت نمی‌کردند و اگر پدر و مادرم، در زندگی فرصت خطا و اشتباه را به من نمی‌دادند، نمی‌توانستم این داستان را روایت کنم. از همه آن‌ها برای محبت و مهربانی‌شان سپاسگزارم.

در پایان، وظیفه خود می‌دانم از آقایان محمدامین ایمان‌جانی، مسعود

فروغی، محمد زعیم زاده، سید مهدی موسوی تبار، سید مهدی طالبی، محسن راحمی، یزدان محمدی، مهدی عبداللهی، حسین نقی پور، حمیدرضا مرادی و سایر دوستان و همکارانم که به نوعی در دادن انگیزه برای نگارش این اثر و بازخوانی آن به من کمک کرده اند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم. همچنین، باید از آقایان رضا شکیبایی و سید عابدین نورالدینی، که یک دهه پیش به من فرصت نوشتن دادند، سپاسگزاری کنم.

راه ارتباطی با نویسنده

Fanousname@gmail.com

www.ketab.ir